

# بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری

## مهاجرین شهر فیروزآباد

رسول ربانی\*

احمد پالیزدان\*\*

### چکیده

مطالعه و پژوهش راجع به فرهنگ و جنبه‌های مختلف آن همواره مورد توجه علاقه‌مندان و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی بوده است. مهاجرت از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر اثرات گوناگونی به بار می‌آورد. این تأثیر هم بر مهاجران و هم بر گروه‌ها و ساختارهای اجتماعی که این مهاجران درون آن جا به جا می‌شوند بازتاب‌هایی را به همراه دارد. از لحاظ تاریخی پرمعناترین نتیجه‌ی مهاجرت اشاعه‌ی فرهنگ بوده است. در اثر مهاجرت میان مردمانی که از لحاظ جغرافیایی دور از یکدیگر بوده‌اند، تماس برقرار می‌شود. در جریان مهاجرت تماس فرهنگی بین فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود. اهمیت تماس فرهنگی این است که ممکن است یکی یا هر دو فرهنگ در تماس را با شتاب زیاد تغییر دهد و به بازسازی ساختاری بکشانند. تغییراتی که در جریان تماس فرهنگی نمود می‌یابد، فرهنگ‌پذیری نامیده می‌شود. فرهنگ‌پذیری را نوع ویژه‌ای از دگرگونی فرهنگی دانسته‌اند.

در مقاله‌ی حاضر دو پدیده‌ی مهاجرت و فرهنگ به تفصیل مورد کنکاش قرار گرفته و با تلفیق دو بینش جامعه‌شناسی در زمینه‌ی فرهنگ و جمعیت‌شناسی در زمینه‌ی مهاجرت، به شناسایی عوامل و میزان تأثیری که می‌توانند در فرایندپذیری مهاجرین داشته باشند، پرداخته می‌شود.

### واژه‌های کلیدی:

فرهنگ، مهاجرت، تماس فرهنگی، تنش فرهنگی، خرده فرهنگ

شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\* استادیار دانشگاه اصفهان

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی  
پرتال جامع علوم انسانی

### روش تحقیق

روش تحقیق به کار برده شده در این مقاله تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای بوده و از روش پیمایشی<sup>(۱)</sup> استفاده شده است. جهت تبیین فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجرین در بخش چارچوب نظری از نظریه‌های مختلف فرهنگ و مهاجرت کمک گرفته شده و در نهایت با استفاده از پرسشنامه به تحلیل و بررسی فرضیه‌های تحقیق پرداخته شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه مهاجرین ساکن در شهر فیروزآباد می‌باشند. واحد تحلیل در این تحقیق سرپرستان خانوار بوده است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای<sup>(۲)</sup> استفاده گردیده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده که در نهایت ۳۳۱ پرسشنامه با توجه به جامعه‌ی آماری تهیه گردید.

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ تعداد ۲۴۲۷ نفر سرپرست خانوار، به صورت مهاجر وارد شهر فیروزآباد شده است. شهرستان فیروزآباد یکی از شهرستان‌های استان فارس بوده که بامساحت ۱۱۹۱۷ کیلومتر در غرب استان واقع شده و مرکز آن شهر فیروزآباد است. این شهرستان دارای ۴ بخش، ۱۴ دهستان و ۳۸۲ آبادی دارای سکنه می‌باشد. نگاهی به آمارهای جمعیتی این شهرستان گواهی بر بالا بودن نسبت شهرنشینی در دهه‌های گذشته می‌باشد.

جدول شماره ۱. نسبت شهرنشینی در شهرستان فیروزآباد ۷۵-۱۳۴۵

نسبت شهرنشینی	سال سرشماری
۱۳/۲	۱۳۴۵
۲۴	۱۳۵۵
۳۸	۱۳۶۵
۴۱/۳	۱۳۷۵

منبع: مرکز آمار ایران

جدول فوق نشان‌دهنده‌ی افزایش سه برابری نرخ شهرنشینی از ۱۳/۲ در سال ۱۳۴۵ به ۴۱/۳ در سال ۱۳۷۵ می‌باشد. با توجه به این که این تحقیق منحصراً در شهر فیروزآباد صورت گرفته است نگاهی به آمار شهرنشینی در شهر فیروزآباد ضروری می‌نماید:

جدول شماره‌ی ۲. جمعیت شهر نشین فیروزآباد ۷۵-۱۳۴۵

سال سرشماری	جمعیت (نفر)
۱۳۴۵	۸۷۱۸
۱۳۵۵	۱۴۱۶۴
۱۳۶۵	۲۴۴۳۴
۱۳۷۵	۴۹۴۵۷

منبع: مرکز آمار ایران

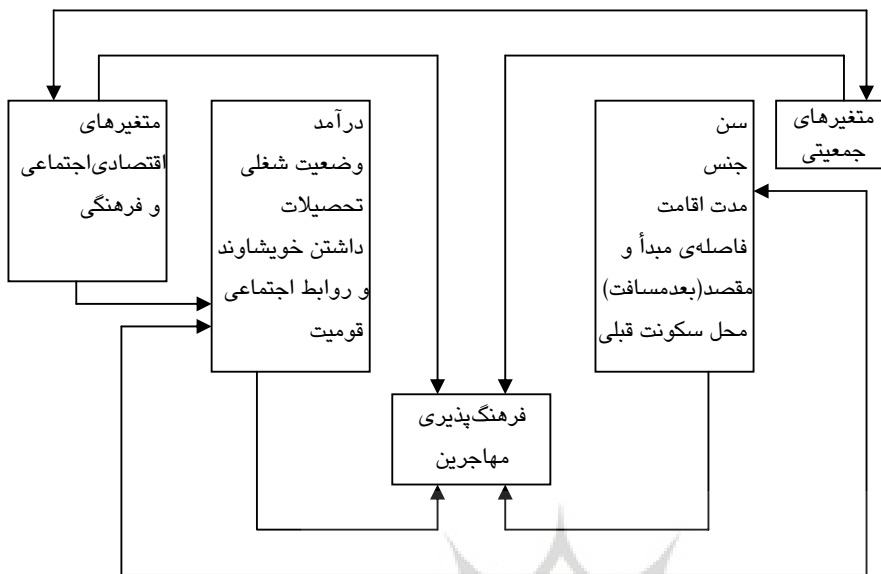
یکی از نکات مهم راجع به شهر فیروزآباد نسبت به جایگاه آن با دیگر شهرهای استان، مسأله‌ی مهاجرت است. بر اساس آمار، در سال ۱۳۶۵ شهر فیروزآباد با میزان سالانه ۵۷ در هزار و یا ۵/۷ در ۱۰۰ بالاترین میزان را به لحاظ مهاجرپذیری در بین ۱۴ شهرستان استان به نسبت جمعیت داشته است. در سال ۱۳۶۵ این شهر از لحاظ رتبه بندی شهرهای استان فارس بر حسب جذب و اسکان مهاجران وارد شده در دهه‌ی ۱۳۵۵-۱۳۶۵ در بین ۳۴ شهر رتبه‌ی هفتم را داشته است. البته این شهر از لحاظ میزان رشد سالانه‌ی مهاجرت در استان رتبه‌ی اول را داراست. (سازمان برنامه و بودجه ۱۳۷۶ و ۱۳۷۱ و مرکز آمار ایران)

نسبت بالای مهاجرپذیری شهر فیروزآباد و در مسیر کوچ عشایر قرار گرفتن، توجه به پدیده‌ی مهاجرت و بررسی جنبه‌های تطبیق‌پذیری فرهنگی مهاجران را ضروری می‌نماید. از این رو تحقیق حاضر با هدف بررسی فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجران به عنوان بخشی از ابعاد پیچیده‌ی پدیده‌ی مهاجرت صورت گرفته است.

#### مقدمه

روابط فرهنگی زمینه‌ساز دیالوگ فرهنگ‌هاست. بررسی‌ها نشان داده است که جامعه‌ای یکنواخت و یک دست اصلاً وجود ندارد. جوامع بشری شامل زیرگروه‌های مختلف فرهنگی است که به تناوب، الگوهای یکسر متضادی را عرضه می‌کنند و این مسأله بازتاب تنش‌های مربوط به فرهنگ‌پذیری است.<sup>(۳)</sup> به طور کلی جامعه‌ی مهاجر شهری دارای شکل کلی از فرهنگ است و مهاجر بر اساس قوم و تعلقات او تعریف می‌شود. فرهنگ و شهر دو پدیده‌ی مکمل هم هستند. هر کدام دیگری را تکمیل و بدون دیگری نیز معنا و مفهوم ندارد. شهر محل تراکم فرهنگی است.<sup>(۴)</sup> از مقوله‌های مهمی که ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ‌پذیری دارد مهاجرت می‌باشد. می‌توان نمونه‌ای از فرایند فرهنگ‌پذیری را در افراد مهاجر جستجو کرد. مهاجرت و فرهنگ‌پذیری دو روی یک سکه‌اند و هر دو لازم و ملزوم یکدیگرند. در مهاجرت الگوها و خصوصیات از فرهنگی به فرهنگ دیگر جا به جا می‌شوند.<sup>(۵)</sup> عنصر تازه وارد اگر یکسره جا نیفتد در روند پذیرش در معرض دگرگونی‌هایی قرار می‌گیرد و در جریان تماس فرهنگی امکان دارد تغییراتی سر بر آورد.<sup>(۶)</sup> مؤلفه‌های مختلفی در فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجرین دخالت دارد که می‌توان آن‌ها را از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و... مورد بررسی و تحلیل قرار داد. نمودار شماره‌ی (۱) تأثیر مؤلفه‌های یاد شده را نشان می‌دهد. متغیرهای ذکر شده در نمودار به عنوان متغیر مستقل و به صورت فرضیه‌ی تحقیق، با توجه به چارچوب نظری، با مفهوم فرهنگ‌پذیری (متغیر وابسته) آزمون گردیده است که در بخش تجزیه و تحلیل فرضیات در خصوص هر یک به تفصیل بحث خواهد شد.

در ادامه، نخست نگاهی اجمالی به پدیده‌ی فرهنگ‌پذیری خواهیم داشت و سپس رویکرد نظریه‌های فرهنگ و مهاجرت ارائه می‌گردد و در نهایت یافته‌های پژوهش که به صورت موردی در خصوص فرهنگ‌پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد انجام گرفته مورد تجزیه و تحلیل می‌گیرد.



نمودار شماره‌ی ۱. مدل تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی بر فرهنگ‌پذیری مهاجرین شهر فیروز آباد. (منبع: مؤلف)

### فرهنگ‌پذیری

مفهوم فرهنگ‌پذیری در سال ۱۸۸۰، از سوی جی، دبلیو، پاول<sup>۱</sup> آمریکایی ابداع شده است. وی تغییراتی را که در شیوه‌های زندگی و تفکر مهاجران در نتیجه تماس با جامعه رخ می‌داد، این‌گونه نامگذاری می‌کرد.<sup>(۷)</sup> این مفهوم بر ارتباط مستمر و مداوم گروه‌های مختلف بر یکدیگر تأکید داشته و همچنین تحولات فرهنگی گروه‌ها را شامل می‌شود. به علاوه حتی اگر تماس میان دو قوم مستمر نباشد، فرهنگ‌پذیری وجود دارد. یک برخورد فرهنگی کوتاه میان دو جامعه کافی است که فرایندی را آغاز کند که قادر به تأثیرگذاری بر ترتیبات فرهنگ ابتدایی باشد.<sup>(۸)</sup> فرهنگ‌پذیری فرایندی از دگرگونی است که طی آن دو فرهنگ به همگرایی بیشتر دست می‌یابند. این

همگرایی ماحصل تماس مداوم آنهاست، تماسی که می‌تواند به صورت گوناگون میسر گردد.<sup>(۹)</sup> در فرایند ارتباط و تماس فرهنگی است که فرهنگ‌پذیری نمود می‌یابد و در قالب مفاهیم و برچسب‌هایی مانند ارتباط نژادی، گروه‌های قومی و روابط فرافرهنگی به کار برده می‌شود که این‌ها اشکالی از ارتباط فرهنگی می‌باشند. در عمومی‌ترین معنا ارتباط میان فرهنگی، وقتی رخ می‌دهد که تولیدات فرهنگی عضوی برای استفاده‌ی اعضای فرهنگی دیگر، در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. به طور عینی‌تر ارتباط بین فرهنگی، ارتباطی میان افراد است که ملاحظات فرهنگی و نظام‌های نهادی مجزایی به حد کافی برای تغییر پیشامدهای ارتباطات دارند. اصطلاح ارتباط بین فرهنگی زمانی استفاده می‌شود که به ارتباط میان افرادی از فرهنگ‌های مختلف دلالت می‌کند؛ زیرا این اصطلاح به مقایسه‌ی بین فرهنگ‌ها (برای مثال شیوه‌ی رهبری خویشاوندی) دلالت دارد.<sup>(۱۰)</sup>

#### چارچوب نظری تحقیق

پس از ذکر مقدمه و آشنایی اجمالی با موضوع مورد بررسی در ادامه نظریه‌های مختلف در زمینه‌ی فرهنگ و مهاجرت که در این مقاله جهت ساخت مدل نظری پژوهش از آن‌ها استفاده گردیده تشریح شده است و در نهایت تلفیقی از نظریه‌های ارائه شده در مدل نظری تحقیق ارائه می‌گردد.

#### نظریه‌های فرهنگ

در این پژوهش دیدگاه‌های تکامل‌گرایان، کارکرد‌گرایان، اشاعه‌باوران و پیروان جهانی شدن درخصوص فرایند فرهنگ‌پذیری مد نظر است. تکامل‌گرایان با طرح نوع‌بندی جوامع سعی در ارائه‌ی مراحل برای رشد و تکامل آن دارند و به دگرگونی مستمر در طول زمان در حیطه‌ی فرهنگ و سایر ابعاد جامعه معتقد می‌باشند. از سوی دیگر، ساخت‌گرایان با تمثیل مدل ارگانیک‌زنده، واقعیت اجتماعی را همچون مجموعه‌ای از اجزا می‌پندارند. کارکرد‌باوران با تأکیدی که بر نظام و سیستم اجتماعی دارند، بیشتر تمایل به حفظ و بقای کلیت اجتماعی دارند. از این دیدگاه نابسامانی و سردرگمی‌هایی که مهاجر در مقصد دچار آن شده و عدم تعادل‌هایی را

که به وجود می‌آورد، به اجبار به سازگاری مهاجر و تعادل کلیت اجتماعی مبدل می‌گردد. اشاعه‌گرایان با تأکیدی که بر کانون‌های اشاعه و گسترش فرهنگ دارند، امر پذیرش فرهنگ جدید را مورد توجه قرار داده‌اند. فرهنگ‌پذیری نوعی از اشاعه‌ی فرهنگی است که از طریق تماس نزدیک و مداوم دو فرهنگ از یکدیگر تأثیراتی را می‌پذیرد و عنصری از یکی به دیگری انتقال می‌یابد. جهانی شدن را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی تعریف کرد.<sup>(۱۱)</sup>

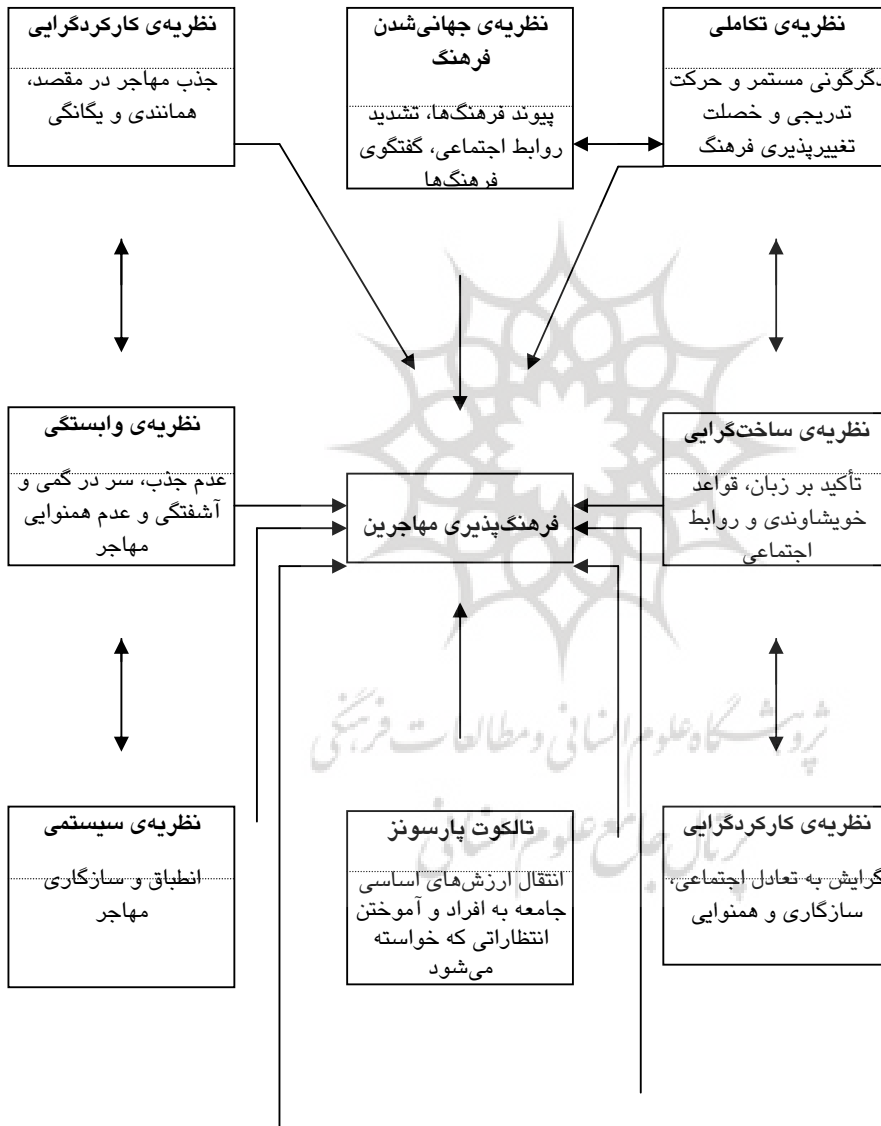
### نظریه‌های مهاجرت

جمعیت‌شناسان نظریه‌های گوناگونی راجع به مهاجرت ارائه کرده و هر یک از زاویه‌ای خاص به آن نگریده‌اند. جمعیت‌شناسان کارکردگرا بر این باورند که مهاجر در مواجهه با ساخت مقصد، به علت وسیع‌تر بودن آن و تراکم زیادی که وجود دارد، ابتدا در آن ساخت جذب می‌شود و سپس مهاجر تمایل همانند گردی و یگانگی با محیط جدید را نشان می‌دهد. در مقابل، نظریه‌ی وابستگی<sup>(۱۲)</sup> بر این باور است که ساخت جدید، فرد را طرد می‌کند و آن‌ها را به زاغه‌نشینی می‌کشاند. زاغه‌ها دلیلی بر انزوای مهاجران و عدم پذیرش آن‌ها از سوی جامعه‌ی میزبان می‌باشد. نظریه‌ی سیستمی با رویکردی همانند جهانی شدن، کنش مقابل میان اجزاء و بازیگران اجتماعی که در یک مجموعه ایفای نقش ایفا می‌کنند را در سازگاری، انطباق، هم‌نوایی و تجانس فرد مهاجر با فرهنگ میزبان مؤثر می‌داند. علاوه بر این، نظریه‌ی جاذبه مهاجرتی زیپف<sup>(۱۳)</sup> در خصوص فاصله و مهاجرت که بعد مسافت بین مبدأ و مقصد را تبیین می‌کند، فرایند فرهنگ‌پذیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. خصوصیات شخصی مهاجران از قبیل سن، جنس، میزان تحصیلات و... که اساس نظریه‌ی اورت س، لی را تشکیل داده در مواجهه با فرهنگ جامعه‌ی میزبان تأثیرگذار می‌باشد.

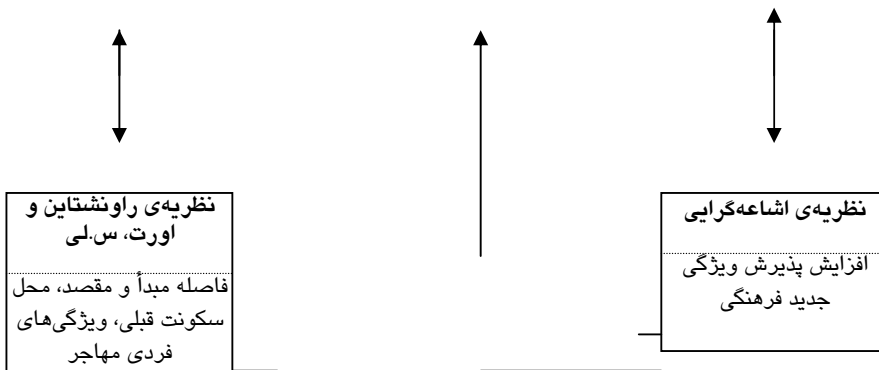
### مدل نظری تحقیق

در نمودار شماره‌ی (۲) مدل نظری تحقیق ترسیم شده است. در واقع هر یک از نظریه‌های مطرح شده در مدل نگرش خاصی به فرایند فرهنگ‌پذیری داشته‌اند و در چارچوب نظری به تفصیل در این زمینه بحث شده است. این دیدگاه‌ها از جهات مهمی

مکمل یکدیگر هستند و در تنظیم تئوری کاملتری درباره‌ی فرهنگ‌پذیری مؤثر می‌باشند، اگر تنظیم چنین نظریه‌ای ممکن باشد. از آن‌ها باید به عنوان عناصر سازنده بهره جست مدل و تئوری به شدت به هم مربوط هستند. مدل ساختاری را ارائه می‌دهد که از خلال آن تئوری به همراه محتوای خود استنتاج یا آزمون می‌گردد. فرضیه‌های ارائه شده با توجه به مدل نظری آزمون شده‌اند که به طور مفصل در بخش تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها به آن‌ها پرداخته می‌شود.







نمودار شماره‌ی ۲. نمای مدل نظری تحقیق (منبع: مؤلف)

### تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار استنباطی

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا با استفاده از جداول تقاطعی دو بعدی رابطه بین دو متغیر مستقل و وابسته بررسی شده و سپس با کمک آماره‌های مختلف از جمله کای اسکور (chi-square) گاما (Gamma) و فی (Phi) به آزمون فرضیات پرداخته شده است.

### آزمون فرضیه‌ی اول

بررسی رابطه بین جنس و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۳. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین جنس و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری					پایین	جنس
	درصد	بالا	درصد	متوسط	درصد		
۳۰۴	۲۲/۷	۶۹	۶۴/۵	۱۹۶	۱۲/۸	۳۹	مرد

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد ..... ۵۰

زن	۱	۳/۷	۱۲	۴۴/۴	۱۴	۵۱/۹	۲۷
کل	۴۰	۱۲/۱	۲۰۸	۶۲/۸	۸۳	۲۵/۱	۳۳۱

بر اساس داده‌های جدول بالا، رابطه‌ی جنس و فرهنگ‌پذیری مهاجرین به شرح زیر می‌باشد:

از مجموع ۳۰۴ مرد پاسخ‌گو، ۱۲/۸ درصد در سطح پایین فرهنگ‌پذیری داشته‌اند، ۶۴/۵ درصد آن‌ها در سطح متوسط و نهایتاً ۲۲/۷ درصد نیز در سطح بالایی از فرهنگ‌پذیری برخوردار بوده‌اند. در مقابل، زنان که تعداد آن‌ها ۲۷ نفر بوده است، ۲/۷ درصد از آن‌ها در سطح پایین، ۴۴/۴ درصد در سطح متوسط و ۵۱/۹ درصد نیز فرهنگ‌پذیری سطح بالایی داشته‌اند.

متغیر	کای اسکور ( $\chi^2$ )	درجه آزادی df	سطح معناداری sig	فی phi
جنس	۱۱/۶۹۷	۲	۰/۰۰۳	۰/۱۸۸

در فرضیه‌ی بالا مقدار (فی) Phi به دست آمده برابر ۰/۱۸۸ می‌باشد که نشانه‌ی وجود رابطه بین دو متغیر مستقل (جنس) و وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) با یکدیگر می‌باشد. هر چند که شدت این رابطه ضعیف است، تأثیرپذیری مردان با زنان از فرهنگ جامعه‌ی میزبان یکسان نمی‌باشد و با توجه به نوع جنسیت افراد تغییر می‌یابد. پس فرض  $H_1$  مورد قبول است و به عبارتی بین عامل جنس و فرهنگ‌پذیری رابطه‌ی معناداری وجود دارد و در درجات فرهنگ‌پذیری زنان و مردان متفاوت می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 آزمون فرضیه‌ی دوم  
 بررسی رابطه بین سن و فرهنگ‌پذیری مهاجرین  
 رتال جامع علوم انسانی

جدول شماره‌ی ۴. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین سن و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری						سن
	درصد	بالا	درصد	متوسط	درصد	پایین	
۹۷	۳۳	۳۲	۵۸/۸	۵۷	۸/۲	۸	۳۰-۱۹ سال
۱۷۷	۲۶	۴۶	۶۵	۱۱۵	۹	۱۶	۴۰-۳۱ سال
۵۷	۸/۸	۵	۶۳/۲	۳۶	۲۸/۱	۱۶	۶۵-۴۱ سال
۳۳۱	۲۵/۱	۸۳	۶۲/۸	۲۰۸	۱۲/۱	۴۰	کل

بر اساس داده‌های جدول بالا، رابطه‌ی میان سن مهاجرین و فرهنگ‌پذیری آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

از ۹۷ نفر پاسخگویی که در گروه سنی ۳۰-۱۹ سال بوده‌اند، ۸/۲ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری پایین، ۵۸/۸ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۳۳ درصد فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند. ۱۷۷ نفر از پاسخگویان در گروه سنی ۴۰-۳۱ سال قرار گرفته‌اند که ۹ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۵ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۶ درصد دارای فرهنگ‌پذیری بالایی بوده‌اند و در گروه سنی ۶۵-۴۱ سال، ۵۷ نفر از پاسخگویان قرار گرفته‌اند که از این تعداد ۲۸/۱ فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۳/۲ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۸/۸ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند.

متغیر	کای اسکور ( $x^2$ )	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری	گاما
سن	Chi-square	df	sig	Camma
	۲۳/۵۰۲	۴	۰/۰۰۰	-/۳۴۹

گامای محاسبه شده برابر با -/۳۴۹ می‌باشد که نشان از همبستگی منفی ولی کم بین دو متغیر مستقل و وابسته دارد. به عبارت دیگر با افزایش سن، فرهنگ‌پذیری

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد ..... ۵۲

افراد کاهش می‌یابد و برعکس هرچه مهاجرین جوان‌تر باشند، فرهنگ‌پذیری ایشان بیشتر است و راحت‌تر می‌توانند فرهنگ جدید را پذیرا شوند و در جدول تقاطعی که به بررسی رابطه بین دو متغیر مذکور پرداخته شده نیز نمایان است. و فرض  $H_1$  مبنی بر وجود رابطه بین سن و فرهنگ‌پذیری تأیید می‌شود و این که بین سنین مختلف در فرهنگ‌پذیری تفاوت معناداری وجود دارد.

### آزمون فرضیه‌ی سوم

بررسی رابطه بین میزان تحصیلات و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۵. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین میزان تحصیلات و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری					میزان تحصیلات	
	درصد	بالا	درصد	متوسط	درصد		پایین
۳۹	۱۷/۹	۷	۵۳/۸	۲۱	۲۸/۲	۱۱	بیسواد
۸۰	۱۳/۸	۱۱	۶۵	۵۲	۲۱/۳	۱۷	ابتدایی
۹۲	۲۲/۸	۲۱	۶۹/۶	۶۴	۷/۶	۷	راهنمایی
۹۳	۳۱/۲	۲۹	۶۳/۴	۵۹	۵/۴	۵	دبیرستان
۲۷	۵۵/۶	۱۵	۴۴/۴	۱۲		۰	دانشگاهی
۳۳۱	۲۵/۱	۸۳	۶۲/۸	۲۰۸	۱۲/۱	۴۰	کل

مطابق داده‌های جدول بالا، از مجموع ۳۹ نفر بی‌سواد پاسخگو، ۲۸/۲ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۵۳/۸ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۱۷/۹ درصد فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند. ۸۰ نفر از پاسخگویان تحصیلات ابتدایی داشته‌اند که ۲۱/۳ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح پایین، ۶۵ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۱۳/۸ درصد از آن‌ها دارای فرهنگ‌پذیری در سطح بالایی بوده‌اند. از مجموع ۹۲ نفر از پاسخگویان دارای تحصیلات راهنمایی، ۷/۶ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح پایین، ۶۹/۶ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۲۲/۸ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح

بالایی داشته‌اند. پاسخگویان دارای تحصیلات دبیرستانی ۹۳ نفر بوده‌اند که ۵/۴ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح پایین، ۶۳/۴ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۳۱/۲ درصد دارای فرهنگ‌پذیری سطح بالایی بوده‌اند و بالاخره ۲۷ نفر از پاسخگویان که تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند، هیچ یک فرهنگ‌پذیری در سطح پایین نداشته‌اند، ۴۴/۴ درصد دارای فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۵۵/۶ درصد آن‌ها نیز در سطح بالای فرهنگ‌پذیری قرار داشته‌اند.

متغیر	کای اسکور ( $x^2$ ) Chi-Square	درجه‌ی آزادی df	سطح معناداری sig	فی phi
میزان تحصیلات	۴۱/۳۳۶	۸	۰/۰۰۰	۰/۳۵۳

مقدار کای اسکور ( $x^2$ ) محاسبه شده در جدول بالا با درجه‌ی آزادی ۸ و سطح معناداری ۰/۰۵ برابر با ۴۱/۳۳۶ می‌باشد که از مقدار کای اسکور جدول که برابر با ۱۵/۵۱ می‌باشد، بزرگتر است ( $۴۱/۳۳۶ < ۱۵/۵۱$ ). همچنین سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد ( $۰/۰۰۰ < ۰/۰۵$ ) و این نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه بین دو متغیر مستقل (میزان تحصیلات) و متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) می‌باشد و در واقع فرض  $H_0$  رد، و فرض  $H_1$  که حکایت از وجود رابطه بین دو متغیر مذکور می‌باشد تأیید می‌گردد. بدین معناست که بین میزان تحصیلات افراد و فرهنگ‌پذیری آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. Phi (فی) محاسبه شده که برابر با ۰/۳۵۳ می‌باشد نیز نشان از افزایش شدت رابطه بین دو متغیر مزبور را دارد و نشان‌دهنده‌ی این است که با بالا رفتن میزان تحصیلات بر میزان فرهنگ‌پذیری افراد مهاجر افزوده می‌شود و هر چه سطح تحصیلات افراد بالاتر باشد راحت‌تر می‌توانند فرهنگ جدید را پذیرا شوند، ولی افرادی که در سطح پایینی از تحصیلات قرار دارند در مواجهه با فرهنگ جدید مقاومت نشان داده، انعطاف کمتری از خود نشان می‌دهند.

### آزمون فرضیه‌ی چهارم

بررسی رابطه بین نوع شغل و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۶. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه

بین نوع شغل و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری						نوع شغل
	درصد	بالا	درصد	متوسط	درصد	پایین	
۵۴	۱۶/۴	۹	۶۳	۳۴	۲۰/۴	۱۱	کارگر
۲۶	۴۵/۸	۱۱	۵۰	۱۲	۴/۲	۱	خانه‌دار
۴۷	۴۴/۷	۲۱	۵۵/۳	۲۶	۰	۰	کارمند
۵۶	۲۱/۴	۱۲	۶۴/۳	۳۶	۱۴/۳	۸	مغازه‌دار
۴۵	۴۴/۴	۱۱	۶۶/۷	۳۰	۸/۹	۴	خرده‌فروش
۹	۳۳/۳	۴	۵۵/۵	۵	۰	۰	تاجر
۳۲	۲۱/۸	۷	۵۶/۲	۱۸	۲۱/۸	۷	کشاورز
۶۵	۱۲/۳	۸	۷۲/۳	۴۷	۱۵/۴	۱۰	متفرقه
۳۳۱	۲۴/۲	۷۷	۶۴/۵	۲۰۵	۱۱/۳	۳۶	کل

داده‌های جدول فوق، بیان‌کننده‌ی این است که از مجموع ۵۴ نفر از پاسخگویان که کارگر بوده‌اند، ۲۰/۴ درصد فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند، ۶۳ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری متوسط و ۱۶/۴ درصد نیز در سطح بالای فرهنگ‌پذیری قرار گرفته‌اند. از مجموع ۲۶ نفر پاسخگوی خانه‌دار، ۴/۲ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح پایین، ۵۰ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۴۵/۸ درصد دارای سطح بالای فرهنگ‌پذیری بوده‌اند. از ۴۷ نفر کارمند پاسخگو، هیچ کارمندی در سطح پایین فرهنگ‌پذیری نبوده است، ۵۵/۳ درصد از آن‌ها دارای فرهنگ‌پذیری متوسط و ۴۴/۷ درصد فرهنگ‌پذیری بالایی

داشته‌اند. از صنف مغازه‌داران ۱۴/۳ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۴/۳ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۱/۴ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند. کل مغازه‌داران پاسخگو ۵۶ نفر بوده‌اند. از ۴۵ خرده فروش، ۸/۹ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۶/۷ درصد دارای فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۴/۴ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند. از ۹ نفر تاجر پاسخگو هیچ یک فرهنگ‌پذیری پایین نداشته‌اند. از میان آنان ۵۵/۵ درصد دارای فرهنگ‌پذیری متوسط و ۴۴/۴ درصد آن‌ها دارای فرهنگ‌پذیری در سطح بالایی بوده‌اند. از ۳۲ کشاورز پاسخگو، ۲۱/۸ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۵۶/۱ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۱/۸ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح بالایی داشته‌اند و نهایت این که از مجموع ۶۵ پاسخگو که سایر مشاغل را ذکر کرده‌اند، ۱۵/۴ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۷۲/۳ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۱۲/۳ درصد فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند.

متغیر	کای اسکور ( $\chi^2$ ) Chi-Square	درجه‌ی آزادی df	سطح معناداری sig	فی phi
نوع شغل	۲۹/۶۸۷	۱۴	۰/۰۰۸	۰/۳۰۶

مقدار phi (فی) محاسبه شده برابر با ۰/۳۰۶ می‌باشد و نشان‌دهنده‌ی این است که بین نوع شغل مهاجرین و فرهنگ‌پذیری آن‌ها رابطه وجود دارد، و دو متغیر یاد شده همبستگی مثبت با یکدیگر دارند؛ هرچند که این رابطه قوی نمی‌باشد. همان طور که در جدول تقاطعی دو بعدی بالا مشخص گردیده است افراد مهاجر با توجه به نوع شغلشان در سطوح مختلف فرهنگ‌پذیری (پایین، متوسط و بالا) قرار گرفته‌اند و درصد هر یک از این سطوح نیز با توجه به نوع شغل فرد مهاجر متفاوت می‌باشد. با این تفاسیر فرض  $H_1$  که بیان‌کننده‌ی وجود رابطه بین نوع شغل و فرهنگ‌پذیری می‌باشد تأیید می‌گردد و این که فرهنگ‌پذیری افراد بر اثر نوع شغلی که دارا می‌باشند، تغییر می‌کنند و این تفاوت معنادار می‌باشد.

### آزمون فرضیه‌ی پنجم

بررسی رابطه بین میزان درآمد و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۷. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین میزان درآمد و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری					میزان درآمد	
	پایین	درصد	متوسط	درصد	بالا		درصد
۴۸	۹	۱۸/۸	۳۰	۶۲/۵	۳۹	۱۸/۸	پایین‌تر از ۵۰ هزار تومان
۲۷۰	۳۱	۱۱/۵	۱۷۱	۶۳/۳	۶۸	۲۵/۲	۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان
۱۳	.	.	۷	۵۳/۸	۶	۴۶/۲	۱۵۰ هزار تومان و بیشتر
۳۳۱	۴۰	۲۱/۱	۲۰۸	۶۲/۸	۸۳	۲۵/۱	کل

ارقام جدول بالا رابطه بین میزان درآمد مهاجرین و فرهنگ‌پذیری آن‌ها را نشان می‌دهد. بر این اساس از مجموع ۴۸ نفر پاسخگویی که درآمد کمتر از ۵۰ هزار تومان داشته‌اند ۱۸/۸ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری پایینی داشته‌اند. ۶۲/۵ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۱۸/۸ درصد نیز دارای فرهنگ‌پذیری بالایی بوده‌اند. درآمد دریافتی ۲۷۰ نفر از پاسخگویان بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان بوده است که ۱۱/۵ درصد فرهنگ‌پذیری پایینی، ۶۳/۳ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۵/۲ درصد فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند. هیچ یک از ۱۳ پاسخگویی که درآمدی بیش از ۱۵۰ هزار تومان داشته‌اند، فرهنگ‌پذیری پایینی نداشته‌اند. ۵۳/۸ درصد آن‌ها دارای فرهنگ‌پذیری متوسط و ۴۶/۲ درصد آن‌ها نیز در سطح بالای فرهنگ‌پذیری بوده‌اند.

متغیر	$\chi^2$ کای اسکور	درجه‌ی آزادی df	سطح معناداری sig	فی phi
میزان درآمد	۱۱/۶۸۲	۴	۰/۰۲۱	۰/۱۵۲



آماره‌ی Phi (فی) که برابر با ۰/۱۵۲ می‌باشد، نشانه‌ی وجود رابطه، بین دو متغیر مذکور می‌باشد، هرچند که این رابطه از شدت کمی برخوردار است. هر دو متغیر یاد شده بایکدیگر همبستگی مثبت دارند. به عبارت دیگر با افزایش میزان درآمد افراد، فرهنگ‌پذیری آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. یعنی افرادی که درآمد زیادتری دارند راحت‌تر فرهنگ جدید را پذیرا می‌باشند و در مقابل، آن‌هایی که درآمد پایین داشته‌اند در مواجهه با فرهنگ جدید مقاومت زیادی از خود نشان می‌دهند. داده‌های جدول تقاطعی دو بعدی بالا نیز نشانه‌ی وجود این رابطه می‌باشد. بنابراین فرض  $H_1$  ما که نشان دهنده‌ی رابطه بین دو متغیر مستقل (درآمد) و وابسته (فرهنگ‌پذیری) می‌باشد، تأیید می‌شود.

### آزمون فرضیه‌ی ششم

بررسی رابطه بین محل سکونت قبلی و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۸. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین محل سکونت قبلی و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری						محل سکونت قبلی
	درصد	بالا	درصد	متوسط	درصد	پایین	
۶۸	۲۶/۵	۱۸	۶۳/۲	۴۳	۱۰/۳	۷	شهر
۱۵۴	۲۸/۶	۴۴	۵۷/۸	۸۹	۱۳/۶	۲۱	روستا
۱۰۹	۱۹/۳	۲۱	۶۹/۷	۷۶	۱۱	۱۲	عشایر
۳۳۱	۲۵/۱	۸۳	۶۲/۸	۲۰۸	۱۲/۱	۴۰	کل

با استفاده از داده‌های جدول بالا، رابطه بین محل سکونت قبلی مهاجرین و فرهنگ‌پذیری آن‌ها به شرح زیر می‌باشد: از مجموع ۶۸ نفر از پاسخگویانی که محل سکونت قبلی خود را شهر ذکر کرده‌اند، ۱۰/۳ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری در سطح پایین، ۶۳/۲ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۲۶/۵ درصد نیز فرهنگ‌پذیری

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد .....۵۸

در سطح بالایی داشته‌اند. ۱۵۴ نفر از پاسخگویانی که محل سکونت قبلی آن‌ها در روستا بوده است، ۱۳/۶ درصد دارای فرهنگ‌پذیری در سطح پایین، ۵۷/۸ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۲۸/۶ درصد آن‌ها دارای فرهنگ‌پذیری در سطح بالایی بوده‌اند. محل سکونت قبلی ۱۰۹ نفر از پاسخگویان زندگی عشایری بوده است که، ۱۱ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۹/۷ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۱۹/۳ درصد نیز فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند.

متغیر	کای اسکور ( $\chi^2$ ) Chi-Square	درجه‌ی آزادی df	سطح معناداری sig
محل سکونت قبلی	۴/۳۱۰	۴	۰/۳۶۶

محاسبه‌ی کای اسکور، با درجه‌ی آزادی ۴ و سطح معناداری ۰/۰۵ عدد ۴/۳۱۰ را نشان می‌دهد، در مقایسه با کای اسکور جدول با همان درجه‌ی آزادی و سطح معناداری که عدد ۹/۴۹ می‌باشد، مقدار محاسبه شده جدول بالا کوچکتر از مقدار جدول می‌باشد ( $۹/۴۹ > ۴/۳۱۰$ ). همچنین سطح معناداری محاسبه شده نیز ۰/۳۶۶ می‌باشد که از سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگتر است ( $۰/۳۶۶ > ۰/۰۵$ ). با این تفاسیر، فرض  $H_0$  که نشان‌دهنده‌ی عدم وجود رابطه بین دو متغیر مستقل (محل سکونت قبلی) و متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) می‌باشد، تأیید می‌گردد و این که محل سکونت پیشین افراد مهاجر در پذیرش فرهنگ جدید تأثیری ندارد و تازه واردان قبل از مهاجرت که در شهر یا روستا و یا به صورت عشایری زندگی کرده باشند. بین متغیر یاد شده (محل سکونت قبلی) با فرهنگ‌پذیری (متغیر وابسته) رابطه‌ای وجود ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

### آزمون فرضیه‌ی هفتم

#### بررسی رابطه بین قومیت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۹. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین قومیت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

قومیت	سطوح فرهنگ‌پذیری					
	پایین	درصد	متوسط	درصد	بالا	درصد
ترک	۱۵	۸/۱	۱۱۸	۶۳/۴	۵۳	۲۸/۵
فارس	۲۵	۱۷/۲	۹۰	۶۲/۱	۳۰	۲۰/۷
کل	۴۰	۱۲/۱	۲۰۸	۶۲/۸	۸۳	۲۵/۱

با توجه به جدول بالا رابطه‌ی قومیت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین به شرح زیر می‌باشد:

از مجموع ۱۸۶ نفر از پاسخگویان که قومیت خود را ترک اعلام کرده‌اند، ۸/۱ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح پایین، ۶۳/۴ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط و ۲۸/۵ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری در سطح بالایی داشته‌اند. در مقابل، از ۱۴۵ پاسخگوی فارس زبان، ۱۷/۲ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح پایین فرهنگ‌پذیری، ۶۲/۱ درصد در سطح متوسط و ۲۰/۷ درصد در سطح بالایی فرهنگ‌پذیری قرار گرفته‌اند.

متغیر	کای اسکور ( $\chi^2$ )	درجه‌ی آزادی df	سطح معناداری sig
قومیت	۴/۸۷۵	۲	۰/۱۵۵

مقدار کای اسکور به دست آمده با درجه‌ی آزادی ۲ و در سطح معناداری ۰/۰۵ برابر با ۴/۸۷۵ می‌باشد که از مقدار کای اسکور جدول با همان درجه‌ی آزادی و سطح معناداری که ۵/۹۹ را نشان می‌دهد کوچکتر بوده ( $۴/۸۷۵ > ۵/۹۹$ ) و مقدار سطح

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر در فرهنگ‌پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد ..... ۶۰

معناداری به دست آمده نیز ۰/۱۵۵ می‌باشد که از ۰/۰۵ بزرگتر است ( $0/155 > 0/05$ ). فرض  $H_0$  که نشان از عدم وجود رابطه بین دو متغیر مستقل (قومیت) و متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) دارد تأیید می‌شود و بیان‌کننده‌ی این است که قومیت فردمهاجر در پذیرش فرهنگ جامعه‌ی میزبان تأثیری ندارد و مهاجرین با هر قومیتی (ترک، فارس و...) به طور یکسان در معرض فرهنگ‌پذیری قرار می‌گیرند و رابطه‌ی بین این متغیر و فرهنگ‌پذیری (متغیر وابسته) وجود ندارد. در جدول تقاطعی دو بعدی بالا نیز این امر نمایان می‌باشد.

### آزمون فرضیه‌ی هشتم

### بررسی رابطه بین مدت اقامت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۱۰. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین مدت اقامت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری						مدت سکونت
	درصد	بالا	درصد	متوسط	درصد	پایین	
۲۳۵	۲۱/۳	۵۰	۶۶/۴	۱۵۶	۱۲/۳	۲۹	۱۵-۱ سال
۹۱	۳۶/۳	۳۳	۵۱/۶	۴۷	۱۲/۱	۱۱	۱۶-۳۰ سال
۵	۰	۰	۱۰۰	۵	۰	۰	۳۱-۴۵ سال
۳۳۱	۲۵/۱	۸۳	۶۲/۸	۲۰۸	۱۲/۱	۴۰	کل

بر اساس داده‌های جدول بالا، رابطه بین مدت سکونت مهاجرین و فرهنگ‌پذیری آن‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۲۳۵ نفر از پاسخگویان اقامتی بین ۱۵-۱ سال داشته‌اند که از این تعداد ۱۲/۳ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح پایین داشته‌اند ۶۶/۴ درصد در سطح متوسط فرهنگ‌پذیری و ۲۱/۳ درصد نیز در سطح بالای فرهنگ‌پذیری بوده‌اند. از مجموع ۹۱ نفر پاسخگو که مدت اقامت بین ۱۶-۳۰ سال بوده است، ۱۲/۱ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۵۱/۶

درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و  $3/36$  درصد فرهنگ‌پذیری در سطح بالایی داشته‌اند. ۵ نفر از پاسخگویان مدت اقامتی بین ۳۱-۴۵ سال داشته‌اند که ۱۰۰ درصد آن‌ها فرهنگ‌پذیری در سطح متوسط داشته‌اند و هیچ یک از آن‌ها در سطح پایین یا بالای فرهنگ‌پذیری قرار نگرفته‌اند.

متغیر	کای اسکور ( $\chi^2$ ) Chi-Square	درجه‌ی آزادی df	سطح معناداری sig	گاما Gamma
مدت اقامت	۱۱/۱۴۸	۴	۰/۰۲۵	۰/۲۰۸

جهت تعیین میزان و جهت این رابطه با محاسبه‌ی آماره‌ی گاما (Gamma) عدد  $0/208$  به دست آمده که از همبستگی مثبت دو متغیر یاد شده نشان دارد. به عبارت دیگر دو متغیر مدت اقامت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین با یکدیگر همبستگی مثبت دارند و فرض  $H_1$  که حاکی از وجود رابطه بین دو متغیر مذکور می‌باشد پذیرفته می‌شود و این که مهاجران با گذشت زمان با فرهنگ جامعه‌ی میزبان هم‌نواپی بیشتری پیدا می‌کنند و هر چه از مدت زمان اقامت در جامعه‌ی میزبان می‌گذرد مهاجرین نیز فرهنگ‌پذیری بهتر و بیشتری دارند و راحت تر می‌توانند با فرهنگ جامعه‌ی میزبان هم‌نواپی داشته باشند. با گذشت زمان تازه واردان (مهاجران) مقاومت کمتری برابر فرهنگ جامعه‌ی میزبان از خود نشان می‌دهند.

آزمون فرضیه‌ی نهم

بررسی رابطه بین بعد مسافت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین

جدول شماره‌ی ۹. توزیع فراوانی و درصد پاسخگویان بر حسب رابطه بین بعد مسافت و فرهنگ‌پذیری مهاجران

کل	سطوح فرهنگ‌پذیری					پایین	بعد مسافت
	درصد	بالا	درصد	متوسط	درصد		
۱۴۲	۲۸/۹	۴۱	۶۱/۳	۸۷	۹/۹	۱۴	۱-۱۳۰ کیلومتر
۹۵	۲۱/۱	۲۰	۶۵/۳	۶۲	۱۳/۷	۱۳	۱۳۱-۲۶۰ کیلومتر
۹۴	۲۳/۴	۲۲	۶۲/۸	۵۹	۱۳/۸	۱۳	۲۶۱-۴۰۰ کیلومتر
۳۳۱	۲۵/۱	۸۳	۶۲/۸	۲۰۸	۱۲/۱	۴۰	کل

داده‌های جدول بالا نشان‌دهنده‌ی رابطه بعد مسافت و فرهنگ‌پذیری مهاجرین می‌باشد. بدین صورت که ۱۴۲ نفر از پاسخگویان مسافتی بین ۱-۱۳۰ کیلومتر راه طی کرده‌اند که از این تعداد ۹/۹ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۱/۳ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۸/۹ درصد فرهنگ‌پذیری بالایی داشته‌اند. از مجموع ۹۵ نفر از پاسخگویانی که مسافت ۱۳۱-۲۶۰ کیلومتر را پیموده‌اند، ۱۳/۷ درصد دارای فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۵/۳ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۱/۱ درصد فرهنگ‌پذیری در سطح بالا داشته‌اند. ۹۴ نفر از مهاجرین بعد مسافت ۲۶۱-۴۰۰ کیلومتر را پشت‌سر گذاشته‌اند که ۱۳/۸ درصد فرهنگ‌پذیری پایین، ۶۲/۸ درصد فرهنگ‌پذیری متوسط و ۲۳/۴ درصد دارای فرهنگ‌پذیری بالایی بوده‌اند.

سطح معناداری sig	درجه‌ی آزادی df	کای اسکوا chi-square	متغیر
۰/۶۷۸	۴	۲/۳۱۵	بعد مسافت (فاصله محل سکونت قبلی و فعلی)

مقدار کای اسکور به دست آمده با درجه ی آزادی ۴ و سطح معناداری ۰/۰۵ برابر با ۲/۳۱۵ می‌باشد. مقدار محاسبه شده با مقدار کای اسکور جدول با همان درجه‌ی آزادی و سطح معناداری برابر با ۹/۴۹ است که کای اسکور محاسبه شده در جدول بالا کمتر از این مقدار می‌باشد (۲/۳۱۵ > ۹/۴۹). علاوه بر این سطح معناداری محاسبه شده نیز عدد ۰/۶۷۸ را نشان می‌دهد که از سطح معناداری ۰/۰۵ بزرگتر است (۰/۶۷۸ > ۰/۰۵). با این تفاسیر دو متغیر مستقل (بعد مسافت) و وابسته (فرهنگ‌پذیری) با یکدیگر رابطه ندارند و فرض  $H_0$  ما مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر تأیید می‌شود. به عبارت دیگر دو متغیر مستقل (بعد مسافت) و متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) رابطه‌ای با یکدیگر ندارند. و این که، فاصله‌ی مبدأ و مقصد مهاجرین یعنی مسافتی که آن‌ها از محل قبلی خود تا مقصد (محل سکونت فعلی) طی کرده‌اند، و به بیان واضح‌تر دوری و نزدیکی با فرهنگ جامعه‌ی میزبان تأثیری در فرهنگ‌پذیری مهاجرین ندارد.

### نتیجه‌گیری

در این پژوهش نه فرضیه وجود دارد که شش فرضیه تأیید و مابقی رد شد. بدین صورت که متغیرهای مستقل: جنس، سن، میزان تحصیلات، نوع شغل، میزان درآمد و مدت زمان اقامت مهاجرین در مقصد، تأثیر بسزایی در فرهنگ‌پذیری آن‌ها دارد و فرض وجود رابطه بین متغیرهای یاد شده و متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) پذیرفته شد که در بخش تجزیه و تحلیل فرضیات به صورت مبسوط به آن‌ها پرداخته شد. در مقابل، سه فرضیه‌ی تحقیق که متغیرهای مستقل: قومیت، محل سکونت قبلی و بعد مسافت به طور جداگانه با متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) آزمون گردید، مشخص شد متغیرهای یاد شده تأثیری در فرهنگ‌پذیری مهاجرین ندارد و بین متغیرهای مذکور و متغیر وابسته (فرهنگ‌پذیری مهاجرین) رابطه‌ای وجود ندارد و نمی‌توان فرهنگ‌پذیری افراد مهاجر را بر اساس متغیرهای مذکور تبیین کرد.

از نظریات مطرح شده در مدل نظری تحقیق بخشی از نظریات راونشتاین و اورت. سی. لی و همچنین نظریه مهاجرتی زیپف با تحقیق حاضر همخوانی نداشته است. زیرا تأکیدی که این نظریه‌ها بر دو متغیر فاصله مبدأ و مقصد (بعد مسافت) و نیز محل سکونت قبلی مهاجرین داشته‌اند هر دو متغیر یاد شده که در فرضیه‌های ششم و نهم مطرح گردیده هیچ یک پذیرفته نشده است. از طرفی تأکیدی که نظریه‌های یاد

شده بر خصوصیات فردی مهاجرین داشته‌اند و در فرضیات اول (جنس)، دوم (سن)، سوم (میزان تحصیلات)، چهارم (نوع شغل) و پنجم (میزان درآمد) به کار گرفته شده با تحقیق حاضر مطابقت دارد. نظریات کارکردگرایی که بر تعادل اجتماعی، سازگاری و همانندی، افراد مهاجر تأکید دارند و این که با گذشت زمان (مدت اقامت) به تدریج فرایند سازگاری و تطابق با فرهنگ میزبان نمود می‌یابد، با تحقیق حاضر همخوانی داشته است. علاوه بر این، نظریه‌ی سیستمی که بر انطباق و سازگاری مهاجر در مقصد تأکید داشته مورد پذیرش قرار گرفته است. نظریه‌ی ساخت‌گرایان به ویژه تأکیدی که لوی اشتروس بر مقولات زبان و قواعد خویشاوندی در پذیرش فرهنگ جدید داشته است در تحقیق حاضر با توجه به متغیر قومیت که در فرضیه‌ی هفتم آزمون شد مورد تأیید قرار نگرفته است. و بیان‌کننده‌ی این است که زبان نمی‌تواند به عنوان متغیر تأثیرگذار در فرایند فرهنگ‌پذیری قلمداد شود.

دیدگاه وابستگی که به طور یک بعدی و یک جانبه بر سردرگمی، آشفتگی، عدم جذب مهاجر و انزوای بلندمدت آن‌ها و وابستگی آن‌ها به مبدأ (محل سکونت قبلی مهاجرین) تأکید دارد، پذیرفته نیست؛ زیرا بر حسب مدت زمانی که از سکونت مهاجرین می‌گذرد، آن‌ها به تدریج فرهنگ جامعه‌ی میزبان را می‌پذیرند. نظریه‌ی تکاملی فرهنگ که تأکید ویژه‌ای بر دگرگونی مستمر و حرکت تدریجی و خصلت تغییرپذیری فرهنگی داشته، مورد قبول می‌باشد. زیرا با سپری شدن مدت زمان اقامتی که مهاجر در جامعه‌ی میزبان دارد خود به تغییر الگوهای فرهنگی منجر می‌گردد. نظریه‌ی اشاعه‌گرایی که بر پذیرش ویژگی‌های جدید فرهنگی اشاره دارد، تأیید شد. زیرا مهاجر با حضور در بطن فرهنگ جامعه‌ی میزبان فرایند اشاعه را در رفتارها، الگوها و زندگی روزمره خویش، تجربه می‌کند. ضمن این که دیدگاه پیروان جهانی شدن با تأکیدی که بر تشدید روابط اجتماعی بین افراد داشته‌اند در فرضیاتی که نشان‌دهنده‌ی پذیرش فرهنگ و سازگاری و هم‌نوایی افراد می‌باشد پذیرفته شد.

در پایان بحث ذکر این نکته ضروری است که هر گونه تصمیم‌گیری در جهت ساماندهی وضعیت مهاجرین (تازه واردان) بایستی با توجه به عوامل و متغیرهای تأثیرگذار بر پذیرش فرهنگ جامعه‌ی میزبان (فرهنگ‌پذیری) صورت گیرد و سپس به برنامه‌ریزی در این زمینه اقدام گردد. شناخت علمی از فرایند تماس و ارتباط فرهنگی



در بازسازی ساخت فرهنگی و تداوم همزیستی خرده فرهنگ‌ها تأثیرگذار می‌باشد. غفلت و بی‌توجهی به فرایند فرهنگ‌پذیری مهاجرین باعث ایجاد عدم تعادل در ساخت فرهنگی جامعه‌ی میزبان می‌گردد. عدم تعادلی که تنش‌ها و آسیب‌های گوناگون اجتماعی و فرهنگی را در جامعه‌ی میزبان به همراه خواهد داشت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### پی‌نوشت‌ها

1- Survey

2- Cluster mutie- stage sampling

۳- کمال درانی، فرهنگ عمومی، فصلنامه‌ی اجتماعی - فرهنگی، شماره‌ی ۶، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۹.

۴- رسول ربانی، جامعه‌شناسی شهری، انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، تهران، ۱۳۸۱، ص ۳۴.

۵- سی فیندلی، برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۷۲، ص ۷۱.

۶- چنگیز پهلوان، فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه‌ی فرهنگ و تمدن، انتشارات پیام امروز، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۱۰۴-۱۰۵.

۷- دنی کوش، مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی، ترجمه‌ی فریدون وحید، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱، ص ۹۱.

۸- میشل دو کوستر، فرهنگ‌پذیری، ترجمه‌ی بهروز منتظمی، مجله‌ی فرهنگ و زندگی، شماره‌ی ۳۷، تهران، ۱۳۵۲، ص ۶۷-۶۸.

۹- رابرت اچ لاور، دیدگاه‌های درباره‌ی دگرگونی اجتماعی، ترجمه‌ی سیدکاوس سیدامامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۰۸-۲۰۹.

10-Samovar, Larry, A. and Richard, Portere, Communication Between Cultures, United States of America, Fourth Edition, 2000, P. 42-46.

۱۱- آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۷۷.

12- Dependency theory

13- Zepufe

### منابع و مأخذ

- ۱- اچ لاور، رابرت: *دیدگاه‌های درباره‌ی دگرگونی اجتماعی*، ترجمه‌ی سیدکاووس سیدامامی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲- پهلوان، چنگیز: *فرهنگ‌شناسی*، گفتارهایی در زمینه‌ی فرهنگ و تمدن، انتشارات پیام امروز، تهران، ۱۳۷۸.
- ۳- درانی، کمال: *فرهنگ عمومی*، فصلنامه‌ی اجتماعی - فرهنگی، شماره‌ی ۶، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴- دو کوستر، میشل: *فرهنگ‌پذیری*، ترجمه‌ی بهروز منتظمی، مجله‌ی فرهنگی و زندگی، شماره‌ی ۳۷، تهران، ۱۳۵۲.
- ۵- ربانی، رسول: *جامعه‌شناسی شهری*، انتشارات سمت و دانشگاه اصفهان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۶- فیندلی، سی: *برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی*، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۷۲.
- ۷- کوش، دنی: *مفهوم فرهنگ در علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی فریدون وحید، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱.
- ۸- گیدنز، آنتونی: *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.
- 9-Samovar, Larry, A. and Richard, Portere, *Communication Between Cultures*, United States of America, Fourth Edition, 2000.